

مقالات

سرویس حوادث، ۶۰-۸۵۲۳

ضرورت توجه به هشدارهای پلیس

مقابله باشایعه‌سازی در جنگ‌روایت‌ها

می‌تواند به ابزاری برای مقابله با جریان‌های

مخرب نیز بدل شود.

■ **روایت اول**

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های مسئولان در این مدت، تأکید بر دریافت اخبار از منابع رسمی و معتبر بوده است. با این حال، کارشناسان معتقدند تأخیر در اطلاع‌رسانی می‌تواند موجب کاهش اعتماد عمومی و سوق یافتن مخاطبان به سمت منابع غیررسمی و بعضاً معاند شود. در چنین شرایطی، حفظ «روایت اول» اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ موضوعی که نیازمند سرعت، دقت و شفافیت در عملکرد رسانه‌های رسمی است.

■ **ارتش سایبری دشمن**

در کنار این مسئله، برخورد با افرادی که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر انتشار اخبار کذب حرکت می‌کنند نیز در دستور کار قرار گرفته است. از زمان آغاز جنگ تحمیلی تاکنون، نیروهای امنیتی و انتظامی از شناسایی و بازداشت افرادی خیر داده‌اند که به عنوان بخشی از «ارتش سایبری دشمن» فعالیت می‌کردند. این افراد با انتشار شایعات یا ارسال اطلاعات به شبکه‌های معاند، عملاً در راستای اهداف دشمن گام برداشته‌اند.

بررسی پرونده‌های این افراد نشان می‌دهد برخی از آنها مدعی بوده‌اند از تبعات قانونی اقدامات خود آگاهی نداشته‌اند، با این حال، مسئولان تأکید دارند هرگونه ارتباط یا همکاری با رسانه‌ها و شبکه‌های معاند، در حکم همکاری با آنها تلقی می‌شود و می‌تواند تبعات قضایی به همراه داشته باشد. در این میان، یکی از چالش‌های مهم، انتشار تصاویر و اطلاعات حساس از سوی شهروندان است. در مواردی مشاهده شده است که برخی افراد، بدون توجه به پیامدها، اقدام به انتشار موقعیت گشت‌های انتظامی یا نیروهای امنیتی کرده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند به طور

حسین فصیحی

با گذشت هفته‌ها از حملات اخیر و تداوم آتش‌بس، ابعاد تازه‌ای از جنگ ترکیبی نمایان شده است؛ جنگی که تنها در میدان نظامی جریان ندارد و بخش مهمی از آن در فضای مجازی و عرصه روایت‌ها شکل می‌گیرد. در این میان، نقش شهروندان در مدیریت انتشار اطلاعات و مقابله با شایعات، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

■ ■ ■

۲روز از زمانی می‌گذرد که حملات موشکی دشمنان امریکایی- صهیونی علیه کشور آغاز شد؛ حملاتی که به گفته منابع رسمی، علاوه بر خسارات انسانی، زیرساخت‌های حیاتی از جمله منازل مسکونی، مراکز درمانی، آموزشی و خدماتی را نیز هدف قرار داد. در مقابل، نیروهای مدافع امنیت حملاتی صورت دادند که تبعات آن فراتر از مرزها رفته و بر زندگی شهروندان در قاره‌های دیگر تأثیر گذاشته است.

■ **جنگ روایت‌ها**

تجربه این دوره نشان داده است جنگ صرفاً در میدان نبرد نظامی تعریف نمی‌شود. «جنگ روایت‌ها» به عنوان یکی از ارکان اصلی جنگ ترکیبی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کند. این جنگ از مدت‌ها پیش از آغاز درگیری‌ها، با انتشار اخبار نادرست و شایعات در بسترهای مختلف، زمینه‌سازی شده بود. روندی که تلاش داشت روایت مطلوب طرف مقابل را در ذهن مخاطبان تثبیت کند.

فضای سایبری در ایسن میان به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل تبدیل شده است. سرعت انتشار اطلاعات، گستردگی دسترسی و تأثیرگذاری بالای شبکه‌های اجتماعی باعث شده است، این فضا به ابزاری کارآمد برای پیشبرد اهداف رسانه‌ای و روانی تبدیل شود، اما همین فضا، در صورت مدیریت صحیح،

۸ کشته در ۲ تصادف آتشین

در جریان دو حادثهٔ رانندگی جداگانه که به آتش‌سوزی خودروها منجر شد، هشت نفر کشته و چهار نفر زخمی شدند.

در اولین حادثهٔ رانندگی بر اثر برخورد یک دستگاه تریلی حامل گاز با سه خودرو، سه نفر مصدوم و چهار نفر جان خود را از دست دادند.
مأموران پلیس راه و امدادگران بعد از دریافت گزارش تصادف در کیلومتر ۵۰ محور ریگان به ایرانشهر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد تصادف بین تریلی حامل گاز با دو خودروی بنز تک و یک سواری پراید رخ داده و حادثه آتشین رقم خورده است.

بررسی‌های بیشتر نشان داد چهار نفر در محل حادثه به دلیل شدت جراحات و سوختگی فوت و سه نفر هم زخمی شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند. علت حادثه در دست بررسی است. در جریان دومین حادثه رانندگی هم برخورد یک دستگاه پراید با کامیون ولوو در محور فرعی اسفراین به سنخواست در خراسان شمالی، به آتش‌سوزی کامل دو خودرو و مرگ چهار نفر منجر شد.

سرهنگ پرویز رضایی‌نسب، سرپرست پلیس راه خراسان شمالی اعلام کرد حادثه در کیلومتر ۸ محور فرعی اسفراین به سنخواست، محدود به بین روستاهای زاری و توی انضاق افتاد و یک دستگاه پراید با کامیون ولوو برخورد کرد که در جریان آن هر دو خودرو به طور کامل دچار آتش‌سوزی شدند. در این حادثه سه سرنشین پراید در صحنه جان خود را از دست دادند و راننده این خودرو نیز پس از انتقال به بیمارستان فوت کرد. علت سانحه بی‌مبالاتی راننده پراید به دلیل تجاوز به چپ اعلام شده است.



اقدام به قتل به خاطر رابطه پنهانی

■ **غلامرضا مسکنی**

مردی که از ارتباط یک جوان مجرد با زن برادرش به خشم آمده بود، او را تا آستانه مرگ کتک زد و خودرواش را نیز به سرقت برد. مرد جوان با تلاش تیم پزشکی از یک قدمی مرگ به زندگی بازگشت و ضارب هم بازداشت شد.

■ ■ ■

مرد جوان که «کامران» نام داشت، در یک قدمی مرگ بود و تیم پزشکی برای نجات جانش تلاش می‌کرد. چند روز بعد، هنگامی که کامران به هوش آمد، برده از ماجرای هولناک برداشت: مردی قوی‌هیکل و ناشناس جلوی ماشینش بریده، او را به شدت کتک زده، سپس خودرواش را سرقت کرده بود. با دستور قاضی رضا‌اعلایی، بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران، کارآگاهان وارد عمل شدند و چند شب قبل، متهم را در حال رانندگی با خودروی سرقتی شناسایی و پس از یک تعقیب و گریز نفسگیر دستگیر کردند. او در بازجویی اعتراف کرد: «کامران با زن برادرم از ارتباط داشت، به همین دلیل او را کتک زدم و خودرواش را بردم.»

چند روز قبل، خبری به مأموران پلیس تهران رسید که آنها را به یکی از پارک‌های پایتخت کشاند. رهگذرانی در حال عبور، پیکر خونین و نیمه‌جان مردی را دیده و بلافاصله او را برای درمان به بیمارستانی در همان نزدیکی منتقل کرده بودند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس برای بررسی حادثه به بیمارستان اعزام شدند. آنها در آنجا دریافتند مرد زخمی در یک قدمی مرگ قرار دارد و تیم پزشکی در حال تلاش برای نجات جان اوست.

■ **شناسایی قربانی: مرد جوانی به نام کامران**

بررسی کارت شناسایی مرد زخمی نشان داد نام او «کامران» و در مغازه‌ای در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر مشغول کار است. مأموران در بررسی‌های میدانی دریافتند کامران در درگیری با فرد ناشناسی زخمی شده و در بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه چند روز بعد، کامران به هوش آمد و راز حادثه خونین را فاش کرد.

■ **روایت قربانی از لحظات وحشت**

کامران در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «روز حادثه با خودروام در حال رانندگی بودم. وقتی به سرعت‌گیری در یکی از خیابان‌ها رسیدم و سرعتم را کم کردم، مرد قوی‌هیکلی جلوی ماشینم پرید. من شوکه شدم و ترمز زدم، اما خبر نداشتم او چه نیتی در سر دارد. او به سرعت داخل خودروام نشست و مرا به شدت کتک زد. خیلی ترسیده بودم. اصلاً نمی‌دانستم چرا می‌زند، چون اولین بار بود که او را دیده بودم.»

وی ادامه داد: «هر چه او می‌گویم چرا مرا می‌زنی، من که با تو دشمنی و اختلافی ندارم، مرد خشمگین توجهی نمی‌کرد. پشت فرمان مشت‌هایش را به سر و صورت وارد و تهدید می‌کرد که به رانندگی ادامه دهم. وقتی به نزدیکی پارک خلوتی رسیدیم، از من خواست توقف کنم. به محض اینکه خودرو از حرکت ایستاد، مرا از داخل خودرو بیرون کشید و دوباره با مشت و لگد به جانم افتاد.»

■ **التماس‌های بی‌نتیجه و فرار ضارب**

کامران با صدای لرزان ادامه داد: «متوجه نشدم به چه گناهی مرا به قصد کشتن کتک می‌زند، التماس‌ها و فریادهایم فایده‌ای نداشت. او می‌گفت سزای من مرگ است. آنقدر مرا کتک زد که نیمه‌جان شدم و رهایم نکرد. در حالی که

نیمه‌هوش بودم، دیدم سوار خودروام شد و از محل رفت. وقتی به هوش آمدم، دیدم روی تخت بیمارستان هستم و فهمیدم رهگذران جانم را نجات داده‌اند. من از یک قدمی مرگ با تلاش تیم پزشکی به زندگی برگشتم.»



■ **دستور باز پرس برای شناسایی متهم**

با شکایت کامران، پرونده به دستور قاضی رضا‌اعلایی، بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی متهم در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. بررسی‌های مأموران نشان داد ضارب پس از کتک‌کاری، خودروی شاکی را سرقت کرده است. اما کیف پول و اموال قیمتی او را سرقت نکرده بود. این موضوع برای کارآگاهان عجیب بود. آنها در ادامه تحقیقات فنی دریافتند ضارب به احتمال زیاد سارق حرفه‌ای نبوده و به دلیل دیگری مرد جوان را تا حد مرگ کتک زده و سپس خودرواش را برده است.

■ **تعقیب و گریز شبانه**

شماره پلاک خودروی شاکی برای توقیف در اختیار گشت‌های پلیس قرار گرفت. چند شب قبل، مأموران گشت در یکی از خیابان‌های تهران، خودروی شاکی را مشاهده کردند. راننده، مرد جوان قوی‌هیکلی بود که به دستور مأموران برای توقف توجهی نکرد. به این ترتیب، تعقیب و گریز نفسگیری میان مأموران و خودروی مظنون رقم خورد. راننده خودرو در نهایت پس از تصادف با چند خودروی دیگر متوقف شد و مأموران او را بازداشت کردند.

■ **اعتراف**

پس از انتقال متهم به اداره پلیس، مشخص شد وی همان ضاربی است که چند روز قبل کامران را کتک زده و خودرواش را سرقت کرده بود.

متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت: «کامران با زن برادرم از ارتباط مخفیانه‌اش، به همین خاطر بود که او را تا حد مرگ کتک زدم و خودرواش را هم بردم.»

پس از اعتراف متهم، مأموران به دستور قاضی از شاکی تحقیق

کردند. او در توضیح ماجرا گفت: «مدتی قبل در فضای مجازی با زن جوانی به نام بهنوش آشنا شدم. او خود را مجرد معرفی می‌کرد و بعد از آن، بین ما رابطه دوستانه برقرار شد. بهنوش وقتی متوجه شد من فروشنده یک مغازه هستم، به من گفت که سرمایه‌دار است و حاضر است با من شریک شود. قرار بود باهم یک کار مشترک راه بیندازیم. من اصلاً نمی‌دانستم او متاهل است و نقشه دارد از شوهرش جدا شود.»

■ **جرای خیانتکار**

متهم مرد جوانی به نام سیروس است که ادعا می‌کند شاکی با زن برادرم از ارتباط داشته و به همین دلیل تصمیم گرفتم است وی را به قتل برساند اما از زیر دست او جان سالم به در برده است.

■ **سیروس، شاکی را می‌شناختی؟**

نه. تا چند روز قبل از حادثه، او را ندیده بودم و اصلاً نمی‌شناختمش.

■ **چی شد که تصمیم گرفتی او را کتک بزنی؟**

من نمی‌خواستم او را کتک بزنم. تصمیم داشتم او را به قتل برسانم. به نظر من، سزای چنین افرادی که به خانواده‌ها خیانت می‌کنند، مرگ است. آن روز هم قصد داشتم بکشمش، اما شانس آورد و از زیر دستم جان سالم به در برد.

■ **چرا می‌خواستی او را به قتل برسانی؟**

به خاطر بردارم و با مرد جوانی به نام کامران دوست شده است. تا اینکه متوجه شدم با همسرش اختلاف پیدا کرده است. خیلی تلاش کردم اختلاف آنها را حل کنم، اما فایده‌ای نداشت و همسرش اصرار داشت جدا شود. وقتی تحقیق کردم، فهمیدم او با مرد جوانی به نام کامران دوست شده است و به خاطر همین موضوع تصمیم گرفته از برادرم جدا شود. از کامران که با زن شوهرداری دوست شده بود، عصبانی شدم و تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم تا برای دیگران عبرت شود. شش‌اکی ادعا می‌کند اصلاً خبر نداشتم با فردی که دوست شده، متاهل است. نظر تو در این باره چیست؟

به هر حال، کسی که با یک زن شوهردار دوست شود، خیانتکار است. فرقی نمی‌کند می‌دانسته یا نه. این کار خط قرمز من و خانواده‌ام است.

■ **چطور ی او را شناسایی کردی؟**

مدتی طول کشید تا سرنخی از او به دست بیاورم. بعد هم چند روزی او را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتم و دنبال فرصتی می‌گشتم تا انتقام بگیرم.

■ **درباره روز حادثه توضیح بده. چه شد؟**

آن روز دوباره او را تعقیب کردم تا اینکه وارد خیابان خلوتی شد. وقتی سرنش را کم کرد، به سرعت وارد خودرواش شدم و شروع کردم به کتک زدنش. می‌خواستم آنقدر بزنمش که ببرد.

■ **چرا خودرواش را هم سرقت کردی؟ مگر قصد**

قتل نداشستی؟

راشتم می‌خواستم در فرصت بعدی، خودرواش را آتش بزنم. فکر می‌کردم شاید با این کار کمی آرام شوم و انتقام کامل شود. اما پلیس زودتر از راه رسید و مرا بازداشت کرد.

■ **حالا که دستگیر شده‌ای، پشیمانی؟**

از اینکه به زندان افتادم، پشیمانم. کاش کارم را قانونی انجام می‌دادم.

دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ | ۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۷

سرت مسلحانه پس از ۱۰سال تحمل زندان

■ **آرمین بینا**

سارقی حرفه‌ای که همراه سارق همه فن حریفی خودروهای سواری را سرقت می‌کرد و پس از اوراق کردن وسایلش را به مالخسران می‌فروخت در تعقیب و گریز مأموران به دام افتاد. تحقیقات برای دستگیری همدست وی ادامه دارد.

■ ■ ■

چند روز قبل، مرد جوانی با اداره پلیس تهران تماس گرفت و از سرقت خودرواش جلوی چشم خود خبر داد. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، شاکي در توضیح ماجرا گفت: «لحظاتی قبل با خودروام برای خرید میوه از خانه بیرون آمدم. کنار مغازه میوه‌فروشی خودرو را متوقف کردم و برای خرید به مغازه رفتم، اما حواسم نبود که بیرون آمدم. دیدم مرد جوانی پشت فرمان خودروام نشست، آن را روشن کرد و به راه افتاد. داد و فریاد «ای دزد» من به آسمان بلند شد، اما سارق مقابل چشمانم خودرو را سرقت کرد و رفت.»

■ **ردزنی تا سارق حرفه‌ای**

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی خاکزاد، بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در نخستین گام، دوربین‌های مدارسته محل حادثه را بازبینی کردند. تصاویر نشان می‌داد لحظاتی قبل، مرد جوانی با یک دستگاه خودروی سواری پراید کنار مغازه میوه‌فروشی توقف می‌کند. راننده وقتی متوجه می‌شود صاحب خودروی پژو، سونیچش را روی ماشین جا گذاشته است، از خودروی پراید خارج می‌شود، سوار پژو می‌شود و آن را سرقت می‌کند.

در بررسی‌های بعدی مشخص شد خودروی پراید نیز سرقتی است و چند روز قبل در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران به سرقت رفته و صاحب آن نیز به پلیس اعلام سرقت کرده است.

■ **شناسایی سارق در آلبوم مجرمان**

مأموران پلیس در ادامه، چهره سارق را که یکی از دوربین‌های مدارسته ثبت کرده بود، شناسایی کردند. آنها با بررسی آلبوم عکس مجرمان سابقه‌دار، سارق را به نام «ارسلان» شناسایی کردند. اما ارسلان، سارق سابقه‌داری بود که به تازگی از زندان آزاد شده بود.

■ **تعقیب و گریز شبانه**

به این ترتیب، مأموران ارسلان را تحت تعقیب قرار دادند. چند شب قبل، یکی از گشت‌های پلیس به خودروی پژویی که با سرعت بالایی در حال حرکت بود، مشکوک شد و به راننده دستور ایست داد. راننده و سرنشین خودرو به دستور ایست پلیس توجهی نکردند و فرار کردند.

تعقیب و گریز نفسگیر مأموران و متهمان آغاز شد. در نهایت، پس از طی مسافتی طولانی، خودروی متهمان با چند خودرو برخورد کرد و متوقف شد. مأموران راننده را بازداشت کردند، اما سرنشین خودرو در تاریکی شب موفق به فرار شد.

■ **اعترافات یک سارق حرفه‌ای**

بررسی‌ها نشان داد خودروی متوقف شده، همان خودروی پژویی است که چند روز قبل از جلوی مغازه میوه‌فروشی سرقت شده بود. همچنین مشخص شد متهم دستگیر شده، همان ارسلان سارق سابقه‌دار است.

ارسلان پس از انتقال به اداره پلیس، به سرقت خودرو و سرقت‌های سریالی اعتراف کرد. ■ **از باند سرقت مسلحانه تا زندان ۱۰ساله**

وی در توضیح ماجرا گفت: «۱۰ سال قبل وارد جره خلافکاران شدم. در آن زمان در کارهای تبلیغاتی فعالیت می‌کردم، اما موسسه پولدار شدن به جانم افتاد و عضو باند سارقان مسلح منازل شدم. آن زمان همراه همدستانم به صورت مسلحانه از خانه‌هایی در اسلامشهر سرقت می‌کردیم تا اینکه همگی به دام افتادیم.»

ارسلان ادامه داد: «من به ۱۰ سال حبس محکوم شدم و چهار ماه پیش زندانم تمام شد و آزاد شدم. بی‌پول و بی‌کار بودم و گشتم هم به کار نمی‌گرفت تا اینکه با خلافکاران حرفه‌ای به نام کیوان آشنا شدم. او همه‌فن حریف است و همه جرائم را تجربه کرده. ما باهم قرار گذاشتیم خودروها را سرقت کنیم و وسایل آنها را پس از اوراق به مالخران بفروشیم. در این چند ماه، تعدادی خودرو سرقت کردیم و وسایلشان را فروختیم.»

■ **روایت روز حادثه و شب دستگیری**

ارسلان درباره روز سرقت پژو گفت: «روز حادثه، خودروی پراید سرقتی را که وسایل داخل آن را فروخته بودیم، کنار خیابانی پارک کردم. چشم به خودروی پژو افتاد که سونیچش روی آن بود و آماده حرکت. همان لحظه تصمیم گرفتم و آن را سرقت کردم. وی درباره شب دستگیری نیز گفت: «شبی هم که دستگیر شدم، همراه همدستم‌بدم. قرار بود خودرو را به محلی ببریم و وسایل داخل آن را باز کنیم که در تعقیب و گریز مأموران به دام افتادم. همدستم موفق به فرار شد.»

تحقیقات از ارسلان در حالی ادامه دارد که مأموران در تلاشند همدست فراری وی، «کیوان» را نیز شناسایی و بازداشت کنند. همچنین تلاش برای کشف دیگر خودروهای سرقتی و شناسایی مالخران ادامه دارد.

هلاکت شرور مسلح ایرانشهر

فرمانده انتظامی ویژه جنوب سیستان و بلوچستان از هلاکت یک شرور مسلح و دستگیری همدست او پس از تیراندازی به سمت مأموران پلیس در محور ایرانشهر به خاش خبر داد.

سردار مرتضی جوکار اعلام کرد: مأموران یگان تکاوری مستقر در پلیس راه ایرانشهر – خاش به یک دستگاه خودروی پژو مشکوک شدند و دستور ایست صادر کردند، اما سرنشینان خودرو بدون توجه به هشدار پلیس، اقدام به تیراندازی کردند.

وی افزود: در جریان حادثه، مأموران شروع به تیراندازی کردند که در نتیجه آن، یکی از اشرار مسلح به هلاکت رسید و همدست وی دستگیر شد. به گفته فرمانده انتظامی ویژه جنوب سیستان و بلوچستان، در بازرسی از متهمان دو قبضه سلاح کلاشینکف، هفت شهاب و مقادیر بی‌شمار فشنگ جنگی کشف و یک دستگاه خودروی پژو نیز توقیف شد.

سازمان آگهی‌های

روزنامه جوان

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۵۴۵۴۸۸

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری رانا سفید رنگ ،مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک

۲۵-۵۸۱ و ۶۷ شماره موتور ۰۵۰۱۰۴۱۸۸B و شماره شاسی

NAAU۱H۵FSYM۵۴۹۸۸.بنام علی حاتمى اقدمفقود گردید و فاقد

اعتبار است.

شهرستان گلپور